

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی سال هشتم - تابستان 1405 - شماره 26 - ص 66-82

راهکارهای تقابل فرهنگی با فتنه در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه

وحیده مقدم¹

چکیده

فتنه در اسلام، به اختلافات و امتحان‌های پیچیده و بسیار مبهمی ناظر است که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ظاهر می‌شود و هرکس تاب و توان موفقیت در آنها را ندارد. گسترش اختلاف و تفرقه در جامعه اسلامی با مهیانبودن فرصت برای فتنه‌انگیزی دشمنان نظام اسلامی زمینه شعله‌ورتر شدن آتش فتنه را هموار می‌سازد چرا که مخالفان را در مسیر تحقق اهداف شومشان امیدوار می‌سازد. بنابراین لازم است همه مردم مطابق با معیارها و رهنمودهای مقام ولایت عمل کنند چرا که با توجه و عمل به رهنمودها و هشدارهای مقام معظم رهبری، امواج فتنه‌ها در هم شکسته می‌شود و این نکته‌ای است که همه افراد پیروز انقلاب و خط امام و رهبری به طور صریح به آن اذعان می‌نمایند بنابراین در فضای فتنه نه تنها رهبری موظف به دفع فتنه از جامعه اسلامی است بلکه امت اسلامی هم وظیفه دارند که از جایگاه و منزلت رهبرشان دفاع کنند تا بتوانند از فتنه‌ها به سلامت عبور کنند. فتنه و راهکارهای برون رفت از آن، نه تنها از حقایق و واقعیت‌های زندگی انسان‌هاست، بلکه از موضوعات و مفاهیم اصیلی است که هم در قرآن و روایات به تفصیل مورد بحث قرار گرفته شده و بر لزوم پیشگیری از وقوع فتنه‌ها و نیز هوشیاری و درایت در برخورد با آنها و عبرت‌آموزی از آنها تاکید فراوان گردیده است.

واژگان کلیدی: امام علی (علیه السلام)، فتنه، برون رفت، نهج البلاغه، راهکار

1. دانشجوی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه بناب، استان اذربایجان شرقی

مقدمه

فتنه امر بسیار مهم و حساسی و همان تزلزل‌های درونی و باطنی است که در حوزه‌ی باورهای دینی فرد پیدا می‌شود به امتحان و بلا و اختبار نیز از این جهت فتنه گفته می‌شود که موجب اضطراب و تزلزل و نگرانی انسان می‌شود.

قرآن کریم فتنه‌گری و فتنه‌انگیزی در جامعه را شدیدتر و بزرگتر از کشتن انسان‌ها می‌داند و مومنان را موظف می‌کند که در ضمن شناسایی فتنه‌ها و آگاهی دادن به جامعه با فتنه‌هایی که هرچند در ظاهر مخصوص ظالمان و ستمگران است مبارزه کنند چرا که آسیب‌ها و آفات فتنه، همگان را در بر خواهد گرفت. این واژه در نهج البلاغه مکرر آمده است و منظور حضرت از فتنه یکسری پدیده‌های اجتماعی سیاسی است که جامعه‌ی اسلامی را دچار موج و تلاطم نموده و در عین حال، حالت حق به جانب و فریب‌کارانه داشته است.

مقاله حاضر در صدد است به روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و با رویکردی توصیفی و تحلیلی با تاکید بر حوادث و فتنه‌های دوران حکومت امام علی (علیه‌السلام) راه‌های برون رفت و مبارزه با آن را از منظر آن حضرت مورد بررسی قرار دهد.

1. راهکارهای تقابل فرهنگی با فتنه

با عبرت گرفتن از تاریخ، می‌توان عوامل ایجاد فتنه در یک جامعه را به خوبی شناخت و وظیفه‌ی خود را در برابر این فتنه‌ها دانست؛ امام علی (علیه‌السلام) دستورات بسیار قابل توجهی را برای مبارزه با فتنه‌ها و خصوصیات برای عقیم کردن زمینه‌های فتنه فرموده‌اند، که در اینجا به چند نمونه از این راهکارها اشاره می‌کنیم:

1-1. پرهیز از رفاه زدگی و تجمل‌گرایی

از جمله عواملی که باعث می‌شود یک جامعه در دام فتنه قرار بگیرد، غرق شدن در نعمات الهی و عیش و نوش بی‌اندازه است. وقتی انسان از مسیر واقعی که ذکر و بندگی خداوند است خارج شود، بدیهی است که از واقعیت دنیای اطراف خود غافل شده و دچار فتنه می‌شود. حضرت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ سَكْرَاتِ النِّعْمَةِ؛ از سستی و فساد در نعمت‌ها بپرهیزید»¹. انسان هر قدر نسبت به مال و منال و مقام مغرور شود و در خوشی‌ها فرو رود و به عوامل دنیایی وابسته شود به همان میزان امکان لغزش و فریبش بیشتر خواهد شد. رفاه، تجمل‌گرایی و غرق شدن در دریای لذایذ و نعمتهای دنیوی، و دور شدن از معنویات، باعث طغیان و سرکشی انسان می‌شود؛ لذا در آیات قرآن می‌خوانیم: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ

¹. نهج البلاغه، خطبه 151.

نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرِّسَلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ؛ و [ما] در هیچ شهری ه شداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم.¹ در آیه دیگری میخوانیم: «و إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] پردازند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم».²

از آیات یاد شده و دیگر آیات قرآن، به خوبی استفاده می‌شود که انسان حریص و دنیا طلب، هنگامی که در میدان رقابت تجملگرایی قرار می‌گیرد، برای رسیدن به مقصود و بهره‌گیری از لذت‌ها، تمام حد و حصرها و موانع را کنار زده، هیچ ضابطه و معیاری را نمی‌شناسد. بر اساس فرمایش پیامبر (صلی اله علیه وآله): «حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ؛ علاقه به چیزی، انسان را کور و کر می‌کند و قدرت درک واقعیت را از او می‌گیرد».³

گرایش افراط گونه به دنیا و ظواهر فریبنده آن، باعث می‌شود بزرگانی چون طلحه و زبیر، با آن سابقه تاریخی، در برابر حضرت علی (علیه السلام) قرار گرفته، بیعت خود را نادیده گیرند و جنگ خونین جمل را سازماندهی کنند.⁴

2-1. پرهیز از اختلافات و کینه‌ها

حضرت می‌فرمایند: «واحذروا بوائق النعمة؛ از بلای کینه و کارهای ناپسند دوری کنید».⁵ امام علی (علیه السلام) در این کلام بیان می‌کنند که بایستی از هر واکنش و هر عملی که اسباب کدورت و کینه می‌شود خودداری کرد، چرا که وحدت مسلمین که ضامن پیروزی بر کفر و شیطان است با ایجاد الفت و محبت امکان دارد همه خصلت‌هایی که در اخلاق اسلامی مذموم دانسته شده‌اند مثل فحاشی، ظن و گمان، غیبت و تهمت. همه زمینه‌های اختلاف و تفرقه‌اند و بایستی شدیداً از آنها پرهیز کرد.

یکی از جدی‌ترین عوامل مخالفت برخی از افراد و گروه‌ها با امام علی (علیه السلام)، بغض‌ها و کینه‌های درونی آنان بود؛ یعنی همان عاملی که در سقیفه موجب کنار گذاشتن امام شد. بیست

1. سوره سبأ، آیه 34.

2. سوره الاسراء، آیه 16.

3. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 380، حدیث 5812.

4. آثار شهید مطهری، ج 22، ص 246.

5. نهج البلاغه، خطبه 151.

و پنج سال پس از آن نیز نه تنها از میان نرفت که عمیق تر شده بود. امیر مؤمنان، خود، در این باره می‌فرماید:

« مرا چه با قریش - اگر با من به جنگ برآید - به خدا سوگند، آن روز که کافر بودند با آنان پیکار نمودم و اکنون که فریب خورده‌لند آماده کارزارم. من دیروز هم‌اورد آنان بودم و امروز هم پی پس نمی‌گذارم. به خدا قریش از ما کینه نکشید، جز برای آن که خدا ما را بر آنان گزید. آنان را - پروردیم - و در زمره خود درآوردیم».¹

3-1. تقویت بنیان‌های اعتقادی

زمانی که گرد و غبار و تبلیغات سرسام‌آور فتنه‌گران بر می‌خیزد و امر بر شما مشتبه می‌شود، تاریکی مسلط می‌شود تا حق معلوم نشود، در چنین شرایطی ثابت قدم و استوار بر مبانی اعتقادی خویش پلیدار باشید. شنیدن این‌که با دیدن کمترین حرکت مخالفی و فتنه‌ای به سوی فتنه‌گران گرایش یابیم یا که استواری خویش را از دست دهیم، حضرت به این افراد اینگونه توصیه می‌کند: «و تثبتوا فی قتام العشوه و اعوجاج الفتنه؛ ثابت باشید در تاریکی‌های غبار فتنه و در کجی‌های آن».²

پس اگر فتنه‌گران از راه ایجاد بدعت در دین کار خود را پیش می‌برند، راه مبارزه با آن و خشک کردن ریشه‌های وقوع فتنه، تقویت بنیه‌های اعتقادی و دینی مردم است. رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«امام راه‌شان روشن بود، شیوه‌شان معلوم بود و می‌دانستند که چه می‌خواهند. شیوه‌ی امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی به‌طور طبیعی استعدادها را شکوفا می‌کند و کادرها را پرورش می‌دهد».³

با توجه به مطالب گفته شده، قسمتی از راه کارهای مبارزه با فتنه اشاره به بعد فردی یا همان خودسازی و قسمتی اشاره به بعد اجتماعی یا همان جامعه‌سازی دارد که در این قسمت از مقاله به بررسی دو بعد از راه کارهای مقابله با فتنه می‌پردازیم:

1-4 خودسازی

1-4-1- تقوا

¹. نهج البلاغه، خطبه 33؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 32، ص 76.

². نهج البلاغه، خطبه 151.

³. بیانات رهبر معظم انقلاب، 13/11/1377.

تقوا نیرویی است که انسان را مدام در مسیر حق نگه می‌دارد؛ پس اگر کسی این نیرو را نداشت و یا در او ضعیف بود؛ به خلاف شرع کشیده می‌شود و این یعنی خروج از مسیر حق. آیات فراوانی از قرآن کریم نیز به بیان ابعاد گوناگون «تقوا» و نقش و اهمیت آن در سعادت انسان اختصاص یافته است.

برای نمونه، خداوند در این آیه چنین می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّنْقِي الْجَمْعَانَ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ؛ روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند شیطان آنان را بلغزاند و قطعا خدا از ایشان درگذشت زیرا خدا آمرزگار بردبار است».¹

استزلال به معنای آن است که کسی بخواهد دیگری را به لغزش وادار نماید، می‌فرماید شیطان می‌خواست آنان را دچار لغزش کند و این را نخواست مگر به سبب بعضی از انحراف‌هایی که در دل و در اعمال داشتند، چون گناهان هر کدامش آدمی را به سوی دیگری می‌کشاند، چون اساس گناه پیروی هوای نفس است و نفس وقتی هوای فلان گناه را می‌کند هوای امثال آن را نیز می‌کند.²

گناه سرچشمه گناه دیگر است! این آیه که باز ناظر به حوادث جنگ احد است حقیقت دیگری را بازگو می‌کند و آن این است که: لغزش‌هایی که بر اثر وسوسه‌های شیطانی به انسان دست می‌دهد بر اثر گناهان پیشین در انسان فراهم شده، و گرنه وسوسه‌های شیطانی در دل‌های پاک که آثار گناهان سابق در آن نیست اثری در آن نمی‌گذارد.³

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه چنین می‌فرماید:

«ما وقتی روح را ن‌ساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است که هرچیزی بر روی آن اثر می‌گذارد و با تغییرات جزئی، ناگهان شکل آن عوض می‌شود؛ اما وقتی که مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحکمتر می‌شود».⁴

¹ آل عمران، آیه 155.

² محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 4، ص 77.

³ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 342.

⁴ فرمایشات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر لغزشی به نوبه‌ی خود لغزش‌های دیگری را برانسان تحمیل می‌کند؛ یعنی پایه‌ی ایمان را سست می‌کند، و سستی ایمان، تأثیر سوء خودش را در عمل بعدی ما می‌گذارد. وقتی ما لغزش پیدا می‌کنیم، این لغزش روی ایمان ما - ولو نامحسوس - تأثیر می‌گذارد.

انسان برای رهایی از طوفان وهمگین و گمراه‌کننده فتنه، نیازمند شناخت حق و باطلاست؛ اما مشکل اینجاست که او در بسیاری از موارد، دچار وهم می‌شود؛ باطل را حق می‌پندارد و وهم را حقیقت. در این‌گونه موارد، انسان به دید و درک نیرومند، روشن‌بینی، شگرف و نورانیت فوق‌العاده‌ی نیازمند است تا به یاری آن، دیده‌اش حقیقت‌یاب شود. این قوه نیرومند و بصیرت‌بخش «تقوا» است.

تقوا از لغت «وقایه» به معنی ترمز است؛ می‌توان آن را خودنگهداری، پرواداری ترجمه کرد.¹ در معنای «تقوا» از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) روایات فراوانی نقل شده است؛ از جمله: «تقوا استوارترین دژ و نگهدارنده‌ترین جان‌پناه است». ² پس تقوا همچون سپری محکم است که انسان را در هنگامه گناه و در محیط‌های آلوده، محافظت و نگاه‌داری می‌کند. حال باید گفت: همچنان که «تقوا» انسان را از بسیاری آلودگی‌ها و گناهان محافظت می‌کند، در هنگامه وقوع فتنه‌ها و به هنگام پیوستن شدن مسیر حق با غبار تیره‌گون ضلالت، او را از گرفتار آمدن در تاریکی فتنه‌ها ننگه می‌دارد. آنحضرت در جای دیگر ضمن بیان آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد³، تقوا را باعث رهایی از فتنه معرفی می‌کند: «آگاه باشیدا! آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد».⁴ در خطبه‌ای در نهج‌البلاغه نیز بر نقش تقوا در نجات انسان از شبهه‌ها تأکید شده است: «کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود و از عذاب آن‌پند گیرد، تقوا و خویشتن‌داری او را از سقوط در شبهات ننگه می‌دارد».⁵ و در خطبه‌ای دیگر نیز چنین می‌فرمایند: «تقوا امروز، جان‌پناه و سپر است و فردا به سوی بهشت راه‌گذر».⁶

¹ ابن منظور، لسان العرب، ج 15، ص 401- طریحی، مجمع البحرین، ج 1، ص 451-450.

² عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ج 1، ص 351.

³ طلاق، آیه 2.

⁴ نهج‌البلاغه، خطبه 183.

⁵ همان، خطبه 16.

⁶ همان، خطبه 191.

همانطور که در روایات مختلف ملاحظه می شود، تقوا در این احادیث به سپری محکم و دژی استوار تشبیه شده است که از سان را در هنگامه گناه و محیط‌های آلوده نگه‌داری می‌کند و هرگز معنای «اجتناب» و «پرهیز» از آن فهمیده نمی‌شود.

حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه‌ای در مورد نقش تقوا برای مقابله با فتنه می‌فرماید: «خداوند متعال شما را به تقوا و صیت فرموده و آن را نهلیت رضا و غلیت مطلوب خود از مخلوقاتش قرار داده است. پس برای خدا تقوا پیشه کنید؛ زیرا در پی شگاه او هستی و پیشانی‌های شما در دست او است. هر کس تقوای الهی پیشه نماید، خداوند راه نجات از فتنه را برای او هموار می‌کند»¹.

اگر جامعه به چنین سلاحی محکم مجهز شود، فتنه‌گران هرگز توان مقابله با آنان را نخواهند داشت. تقوا مانع دنیاگرایی از سان می‌شود و او را همواره به منزل آخرت راهنمایی می‌کند و ارزش‌های والایی در مقابل او قرار می‌دهد که یکی از آنها راه نجات از فتنه است.

1-4-2- تمسک به قرآن

بدون شک، قرآن کریم بیرون‌برنده انسان از تاریکی‌ها و ضلالت‌ها، و راه‌برنده او به سوی روشنی و نور است و به عنوان کتابی هدایت‌آفرین و سعادت‌بخش، یکی از مهم‌ترین راه‌های رهایی انسان از تاریکی‌های فتنه‌ها نیز به شمار می‌رود.

امام علی (علیه‌السلام) در وصف قرآن چنین می‌فرماید:

«این قرآن هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد... کسی با قرآن همنشین نشد، مگر آنکه بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست... پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است»².

همچنین در خطبه‌ای در این باره آمده است:

«قرآن راهی است که رونده آن گمراه نگردد، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد... نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود، ریسمانی است که رشته‌های آن محکم... و توان و قدرتی است برای آنکه قرآن را راه و رسم خود قرار دهد... عامل پیروزی است بر آن کس که با آن استدلال کند... و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سپر نگه‌دارنده است برای آن کس که با آن خود را بیوشاند»³.

¹. نهج البلاغه، خطبه 183.

². نهج البلاغه، خطبه 176.

³. همان، خطبه 189.

خدای متعال در بسیاری از آیات، قرآن را مایه هدایت مؤمنان، پارسایان و تقوایپیشگان دانسته و از آن به عنوان « شفا و رحمت» برای مسلمانان یاد می‌کند. برای مثال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و [مستمگران را جز زیان نمی‌افزاید].¹

از این رو است که حضرت علی (علیه السلام) به هنگام بروز فتنه‌ها، مسلمانان را به پناه بردن به قرآن و صیت کرده‌اند تا با تدبیر و پیروی از آن، راه حقیقت را بیابند و خود را از افتادن در گمراهی فتنه مصون دارند. زمانی که بنی‌امیه با تهمت‌های فراوان، آن حضرت را در خون عثمان شریک دانستند و در تدارک فتنه‌ای بزرگ بودند، حضرت فرمودند: «شبهات را باید در پرتو کتاب خدا، شناخت». آپس می‌توان با توجه به مطلب فوق، تمسک به قرآن را به عنوان راه‌هایی و دستگاری انسان به ویژه در هنگامه وقوع فتنه‌ها دانست. به رغم اینکه قرآن کتابی آسمانی و وحیانی است و از عمق و ژرفایی شگرف برخوردار است، ولی چون برای هدایت انسان‌های زمینی با همه تفاوتی که در استعدادها و قابلیت‌هایشان وجود دارد - نازل گشته است، از گیرایی و سادگی ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که تمام انسان‌ها با وجود تفاوت در دانش و استعدادشان، اگر جویای فهم آن باشند، می‌توانند آن را دریابند و در زندگی به کار گیرند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عیار عبور از فتنه‌ها را چنین بیان می‌کند: «در هنگام فتنه به کتاب خدا تمسک بجویید و از آن کمک بگیرید زیرا در آن اخبار و سرنوشت کسانی که قبل از شما بودند آمده است و سرنوشت کسانی که بعد از آنها آمدند و کسی که به غیر از قرآن تمسک جوید و طلب هدایت کند، گمراه می‌شود و قرآن ریسمان محکم و راه مستقیم است و با کثرت قرائت کهنه و قدیمی نمی‌شود و علماء از آن سیراب نمی‌شوند و شگفتیهای آن پایان نمی‌پذیرد...»³

با کمی تدبیر و تفکر در آیات و مفاهیم قرآن می‌توان در این زمان حق و باطل را تشخیص داد به شرط آنکه قلب ما برای پذیرش حقیقت آماده باشد و باور داشته باشیم که قرآن کتاب هدایت برای همه انسانها و همه دورانهاست و مختص زمانی خاص نیست.

1. اسراء، آیه 82.

2. نهج البلاغه، خطبه 75.

3. طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 4، ص 239 باب 2 حدیث 4595.

1-4-3- اصلاح معیارها

مهمترین مسئله ای که در زمان فتنه، افراد جامعه را از افتادن در ورطه ی هلاکت حفظ می کند و در مسیر حق استوار و ثابت قدم می دارد، شناخت حق است و برای شناخت حق ابتدا باید ملاک حق را شناخت؛ اگر مشاهده می شود که در فتنه ها بسیاری گمراه شده، راه فتنه را در پیش می گیرند و به جبهه ی باطل می پیوندند و بسیاری نیز به خاطر شک و تردید سکوت اختیار کرده و نظاره گرند، به خاطر این است که حق را نشناخته اند. علت بسیاری از انحرافات، این است که اشخاص ملاک حق قرار می گیرند، در نتیجه با انحراف اشخاص از مسیر واقعی حق، امر بر دیگران مشتبه می گردد؛ امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الحق لا يعرف بالرجال إعرف الحق تعرف اهله؛ حق به واسطه اشخاص شناخته نمی شود، خود حق را بشناس پیروان آن را خواهی شناخت»¹.

در جنگ جمل امیر المومنین (علیه السلام) وصی، جانشین و پسر عموی رسول خدا با چهارصد تن از مهاجران و انصار که هفتاد تن آنها از شرکت کنندگان در بدر بودند یک طرف ام المومنین عایشه که موقعیت خاصی در میان زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جامعه اسلامی داشت، همراه با طلحه و زبیر دو صحابی بزرگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که سوابق فراوانی در پی شبرد اسلام داشتند در طرف دیگر قرار گرفتند، در این میان بسیاری در تحیر بودند که کدام جبهه حق است، اینان همان هایی بودند که ملاکشان برای شناخت حق اشخاص بود و وضع در جنگ صفین و نهروان هم همین گونه بود، حتی بدتر از آن، به طوری که امیر المومنین (علیه السلام) فرمودند: «من چشم فتنه را کور کردم، در حالی که احدی جرات چنین کاری را نداشت»².

1-4-4- بصیرت و هوشیاری

از دیگر راه هایی که از سان می تولد در پرتو آن تاریکی های فتنه را بشکافد و در پناه آن از تنگنای سهمگین و گمراه کننده فتنه ها بگریزد، آگاهی از حوادث و وقایع پیرامون خود و سپس موضع گیری هوشمندانه در برابر آنهاست. در آموزه های دین مبین اسلام، زیرکی و کیاست از جمله صفات و ویژگی های مؤمن دانسته شده است: «المؤمن کیس عاقل»³ از این رو، از سان مؤمن باید همواره و در هر شرایط، هوشمندانه گام بردارد و در تصمیم گیری ها، از بصیرت و

1. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 3، ص 156.

2. نهج البلاغه، خطبه 9.

3. عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج 1، ص 187.

درایت خود بهره گیرد، به ویژه در هنگامه فتنه‌ها و مشوّش شدن افکار و باورهای مردم و در پی آن، برآشفته شدن جامعه، کیاست و زیرکی ضروری است.

برخی گفته‌اند: بصیرت معرفت و اعتقاد حاصل شده در قلب، نسبت به امور دینی و حقایق امرواست¹ و همچنین گفته شده: بصیرت و ابصار به معنای بینایی است که گاه با چشم ظاهر، صورت می‌گیرد و جنبه حسی دارد و گاه با چشم درون و عقل و به معنای ادراکات عقلی و قلبی است.²

این واژه در دو معنا در قرآن کریم به کار رفته است:

1. یقین و اطمینان: «...أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ...» با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم...³ که در این آیه پیامبر (صلی الله علیه وآله) اعلان می‌دارد که با یقین و اطمینان و از روی بصیرت کامل و معرفتی که حق و باطل را از هم جدا می‌سازد، به خدا دعوت می‌کند.⁴
2. دلیل روشنی که سبب جدایی راه حق از باطل می‌شود: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أْبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ؛» به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم.⁵

امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، ضمن ایراد خطبه‌ای و به هنگام ترسیم فضای فتنه‌خیز و ظلمت‌برانگیز جامعه که در آن رشته دین گسسته می‌شود و استواری باورها و اندیشه‌ها متزلزل می‌گردد و مردم بر اثر آمیختگی رأی درست و نادرست، راه گمراهی پیش می‌گیرند تنها از این میان، از دسته‌ای نام می‌برد که می‌توانند از تاریکی شبهه‌آفرین و ضلالت‌گستر «فتنه» بگریزند و این دسته زیرکان و هو شیارانند: «تَهْرَبُ مِنْهَا الْاَكْيَاسُ؛ فتنه‌هایی که افراد زیرک از آن بگریزند».⁶

¹ فراهیدی، ترتیب العین، ج 1، ص 166.

² ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 1، ص 155.

³ سوره یوسف، آیه 108.

⁴ طبرسی، مجمع البیان، ج 5، ص 411.

⁵ انعام، آیه 104.

⁶ نهج البلاغه، خطبه 151.

افراد بصیر و عاقل نه تنها از افتادن در ورطه فتنه و پیوستن به گروه فتنه‌انگیزان گریزانند، بلکه در صدد ستیزه و مبارزه با آن برمی‌آیند و طبیعی است که در این راه دچار بلا و سختی خواهند شد: «و کسی که بصیرت داشته باشد، به سختی آن فتنه‌ها دامنگیرش می‌شود»¹. و در جای دیگر از آن حضرت آمده که: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى سَرَابٍ بَقِيَعَةٍ، لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةً سَبْرَهُ إِلَّا بُعْدًا؛ کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که به دنبال سراب بیابان راه پیماید. او هر چه تندتر رود دورتر می‌افتد»². از مهم‌ترین فواید بصیرت، دانستن وظیفه در هر مکان و زمان است بی‌آنکه لازم باشد رهبر، امام و مقتدا، لحظه به لحظه و قدم به قدم، جزئی‌ترین وظایف را گوشزد کند. چنین کسانی همیشه به نفع تیم خودی بازی می‌کنند و گلی به خودی نمی‌زنند.

1-5-5. جامعه سازی

1-5-1- پیروی از امام و رهبری

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های مبارزه و تقلیل فرهنگی با فتنه، که از سان در سلیه آن می‌تواند از افتادن در ورطه فتنه‌ها در امان بماند، داشتن رهبر دینی و از آن مهم‌تر، تبعیت افراد جامعه از آن رهبر است. حضرت علی (علیه‌السلام) هنگامی که با لشکریانش از مدینه به بصره حرکت می‌کردند، طی نامه‌ای اهل کوفه را از حوادث سیاسی و مسائل جاری آگاه نمودند و آن‌گاه آنها را به تبعیت و ملازمت با رهبری برای جهاد با دشمن فتنه‌گر فرا خواندند: «آگاه باشید! مدینه مردم را یکپارچه بیرون راند و مردم نیز برای سرکوبی آشوب از او فاصله گرفتند، دیگر حوادث آشوب به جوش آمد و فتنه‌ها بر پایه‌های خود ایستاد. پس به سوی فرمانده خود بشتابید و در جهاد با دشمن، بر یکدیگر پیشی بگیرید»³. اگر مردم جامعه‌ای، صالح‌ترین افراد، یعنی رهبر را، درک نکنند و در موقعیت‌های خاص و بحرانی، مثل بروز فتنه‌ها، سستی و کندی نشان دهند، دیگر سلاح رهبری پاسخگو نخواهد بود و اثر ندارد و جامعه دچار آشوب فتنه‌گران می‌شود.

تخلف از فرامین رهبر با بصیرت، آثار شومی در پی دارد؛ مانند آن چه در جنگ صفین رخ داد. در این جنگ، یاران علی (علیه‌السلام) فریب قرآن‌های بر سر نیزه را خوردند و از دستور علی (علیه‌السلام) به عنوان رهبر، مبنی بر ادامه جنگ تا پیروزی نهایی و شکست قطعی معاویه

1. همان، خطبه 93.

2. شیخ مفید، امالی، ص 42.

3. نهج البلاغه، نامه 1.

تخلف کردند. این امر به ماجرای «حکمیت» انجامید که در انتخاب حکم نیز به رهنمودهای حضرت توجه نکردند. علی (علیه السلام) انسان‌های زیرک و باهوش مانند مالک اشتر و ابن عباس را برای حکم معرفی کردند، اما آنها انسان بی‌تدبیری همچون ابوموسی اشعری را انتخاب کردند و نتیجه این تخلف از دستورات رهبری بصیر و هوشیار، چیزی جز پیروزی فتنه‌گران نبود. از جمله آثاری که در نتیجه تبعیت از رهبری جامعه به وجود می‌آید که خود عامل نگهدارنده در مقابل فتنه‌هاست همان وحدت جامعه اسلامی است؛ زیرا اگر تمامی افراد جامعه از رهبری خردمند که راه صحیح برخورد با فتنه را می‌داند پیروی کنند، تفرقه و پراکندگی از بین می‌رود و وحدت و یکپارچگی بر جامعه حاکم می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ای خطاب به مردم کوفه، علت شکست کوفیان را عدم اطاعت از رهبری، و علت پیروزی شامیان را وحدت در اطاعت از رهبرشان می‌داند و می‌فرماید: «به خدا، می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنها در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید. شما امام خود را در حق نافرمانی می‌کنید و آنها امام خود را در باطل فرمان بردارند».²

1-5-2- پیروی از اهل بیت (علیهم السلام)

این سفارشی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای نجات از فتنه‌های بعد از خود به برخی از یارانش کرد. آن حضرت خطاب به عمار فرمود: «ای عمار بعد از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد. در آن شرایط از علی و حزب علی پیروی کن؛ چرا که علی با حق است و حق با علی...».³

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ای چنین می‌فرماید:

«اندیشمند با چشم دل است که پایان کار خویش را می‌بیند، و فراز و نشیب را باز می‌شناسد، دیروز دعوتگری دعوت کرد و اینک نگهبانی پاسدار آن دعوت است. پاسخگوی آن دعوت باشید و پیرو این پاسدار واقعیت این است که مردم این روزگار در امواج فتنه‌ها غوطه‌ور شدند، و بدعت‌ها را بر سنت‌ها برگزیدند. مؤمنان به ناگزیر گوشه گرفتند و خاموش گشتند، و گمراهانی که بعثت را دروغ می‌انگاشتند زبان گشودند. در حالی که باران راستین پیامبر، و تن پوش زیرین

¹ ابقتیبه دینوری، امامت و سیاست، ترجمه سید ناصر طباطبایی، ص 159.

² نهج البلاغه، خطبه 25.

³ خزار قمی، کفایه الاثر، ص 122.

او، و نیز خزنه‌داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آنها ماییم، و جز از در، به خلنه‌ها، نباید اندر شد. هر که جز از در به خانه‌ای درآید، به حق دزدش نامند»¹.
حضرت، در سخنان متعددی، در هنگام وقوع فتنه‌ها، افراد را به پیروی از اهل بیت (علیهم‌السلام) فرامی‌خوانند؛ از جمله در خطبه‌ای که بعد از فتنه سقیفه بیان فرمودند چنین می‌گویند: «ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بهره‌یزید و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهدید». «کشتی نجات، کشتی محکم و بزرگی است که توانایی شکافتن امواج و رساندن سرنشینان به ساحل نجات را دارد. با نشستن در کشتی نجات می‌توان از امواج پرتلاطم دریای فتنه رها شد.

پی‌شویان معصوم (علیهم‌السلام) از آن رو که از خاندان وحی و نبوت اند و به فرموده حضرت علی (علیه‌السلام) دین را چنان که سزاوار است دانستند و به آن عمل کردند، گفتار و کردارشان الگویی است عینی و عملی در تمسک به قرآن و نجات از فتنه‌های ناهمگون و هلاک‌کننده‌ای که همواره ایمان و باورهای دینی مسلمانان را تهدید می‌کند. از این‌روست که حضرت خطاب به مردمی که در بدعت‌ها و شبهات گرفتار آمده‌اند می‌فرماید: «مردم، کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم‌های حق و نشانه‌های آن آشکار است... چرا سرگردانید، در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست. آنان زمامداران حق و یقینند». «با استفاده از این بیانات نورانی حضرت علی (علیه‌السلام) درمی‌یابیم که از متقن‌ترین راه‌های رهایی از فتنه‌ها تمسک به اهل بیت (علیهم‌السلام) و عدم فاصله گرفتن از این بزرگواران است.

1-5-3- افشاگری

از شیوه‌های تقابل فرهنگی با نفاق و جریان فتنه‌طلب، افشاگری و تبیین عملکرد گذشته و حال آنان است. در این شیوه که توسط آگاهان جامعه اجرا می‌شود، باید به افشای چهره‌های نفاق و فتنه‌گردانان است زدتا مردم بهتر به ماهیت آنان پی ببرند و در نتیجه، در برابر خطرات این گروه، هوشیاری خود را حفظ نمایند و از افتادن در دام‌نشان مصون بمانند.

آیات بسیاری درباره افشاگری وجود دارد. از جمله در آیه‌ای می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را

¹. همان، خطبه 154.

². نهج البلاغه، خطبه 5.

³. نهج البلاغه، خطبه 239.

⁴. همان، خطبه 87.

دوست ندارد مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست». در برخی از امور، قرآن کریم مجوز بدگویی و پرده‌داری می‌دهد و اشاره می‌فرماید: مگر کسی که مظلوم واقع شده؛ چنین افراد برای دفاع از خود در برابر ظلم ظالم حق دارند اقدام به شکایت و یا از ظالم انتقاد و افشاگری نمایند و تا حق خود را نگیرند و دفع ستم ننمایند از پای نرسینند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلِلَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ...»؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که ملیه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است...¹ در حقیقت، خداوند از طریق وحی توطئه‌های منافقان را افشا می‌کند. همچنین در آیات 64 و 65 سوره «توبه» رازهای منافقان را فاش می‌کند. این آیات و روایات ما را به این نتیجه می‌رساند که یکی از راه‌های تضعیف جبهه فتنه‌گران، افشاگری است که باید همواره مورد توجه مؤمنان جامعه باشد.

امام علی (علیه‌السلام) بارها در مقابل فتنه‌گران می‌ایستاد و به افشای چهره زشت آنان می‌پرداخت؛

حضرت علی (علیه‌السلام) در قسمتی از خطبه‌ای می‌فرماید:

«به خدا سوگند که طلحه و زبیر و پیروان شان، در کارنامه من نه منکری سراغ دارند که در برابرش بایستند، و نه در رابطه میان خود و من پایبندان صافند. اینان جویای حقیقت هستند که خود ره‌ایش کرده‌اند و از خونی دم می‌زنند که خود ریخته‌اند. همچنین با کمال وقاحت، انسانی مبراً و دست پاک، و پیشانی سفید و دل صاف و طاهر را مجرم و بدکار معرفی می‌نمایند».²

4-5-1- ترک رابطه

از شیوه‌های مبارزه فرهنگی با منافقان و فتنه‌گران، ترک رابطه با آنان است. اگر اهل ایمان رابطه خود را با اهل نفاق قطع کنند و با بی‌اعتنایی با آنان روبرو شوند، بی‌گمان این کار آنها را به گوشه‌انزوا کشانده و از نفوذشان در دیگران جلوگیری خواهد کرد و در نتیجه آنان را در نیل به اهدافشان ناکام خواهد گذاشت.

قرآن نیز از راه‌های مبارزه با جریان نفاق و فتنه، ترک مجالست با آنان دانسته و می‌فرماید: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا

¹نساء: 148.

²ناصرمکارم شیرازی و همکاران، تفسیرنمونه، ج 4، ص 184.

³توبه: 107.

⁴نهج البلاغه، خطبه 137.

فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ
وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً؛ و البتّه [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه
شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن
درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را
همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.¹

سیره معصومین نیز، نسبت به اهل نفاق و جریان فتنه در برخی موارد، ترک معاشرت بوده
است، چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از بازگشت از تبوک، فرمان داد تا با
منافقان تارک جبهه و جهاد، معاشرت نکند.²

¹. نساء، آیه 140.

². عزالدین علی ابن اثیر، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج 7، ص 342.

نتیجه‌گیری

دشمن همیشه با شیوه‌هایی، ضد انقلاب را دلگرم و یاران سست عنصر انقلاب را دلسرد می‌سازد تا از حمایت و یاری ارزش‌های انقلابی دست بردارند و صحنه را خالی نمایند، با سیر در تاریخ مشاهده می‌کنیم که از صدر اسلام تاکنون چقدر از این شیوه شیطانی استفاده کردند و مردم را به خط‌سازش و سکوت کشاندند؛ پس با توجه به نقش حساس خواص، می‌توان گفت که یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در پیروزی جبهه‌ی حق بر باطل در جریان فتنه‌ها، آن است که خواص و بزرگان جبهه حق جامعه را نسبت به حق و باطل آگاهی بخشند و افراد جامعه دینی را از جهالت و بی‌خبری، شک و تردید و گمراهی برهانند؛ بدین وسیله فضای غبارآلود و پر از شبهه‌ی دوران فتنه، به فضایی شفاف و واضح مبدل می‌شود که در آن حق و باطل به خوبی قابل شناسایی بوده و باعث ناکام ماندن ترفندهای دشمن در بی‌تفاوت کردن مردم خواهد شد.

منابع

- قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند
 - نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
- بیانات رهبر معظم انقلاب، 1377/11/13.
- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، مترجم: محمدجواد غفاری، چاپ دوم تهران دارالکتب الاسلامیه 1385.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت نشر دار صادر 1375 ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1378.
- خزار قمی، ابی القاسم، کفایه الاثر، محقق: محمد کاظم موسوی، قم دلیل ما 1388.
- دینوری، ابن قتیبه، الامامه و الایمان، مترجم: سیدنا صر طباطبایی، تهران مجلس شورای اسلامی کتابخانه موزه و مرکز اسناد 1388.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، م صحیح: حسین اسکوری، احمد، چاپ سوم تهران نشر مرتضوی 1375.
- عزالدین علی ابن اثیر، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج 7، ص 342.
- عکبری بغدادی، محمد بن محمد نعمان (شیخ مفید)، امالی، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم نوید اسلام 1390.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم نشر هجرت
- فرمایشات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1388/6/20.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، چاپ سوم، قم دارالحديث 1385.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (انسان و ایمان)، تهران انتشارات صدرا 1384.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ سی و یکم، تهران دارالکتب اسلامیه 1373.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث 1369.